

شهردار سابق اصفهان با خانواده‌اش در ۲۳۳۳۷۰۰۲۱۲۳۰

بانک‌ها برنامه‌ای برای پرداخت وام فرزندآوری ندارند. حدود ۸ ماه قبل برای دریافت ۲۰ میلیون تومان وام فرزندآوری ثبت‌نام کرده و در بانک صادرات شعبه شهری سراهورامین ششد ولی بعد از چندین بار مراجعه به بانک می‌گویند برنامه‌ای برای دادن وام فرزندآوری نداریم و نام نمی‌دهیم، درحالی‌که انتخاب این بانک از داخل سامانه وام‌فرزندآوری صورت گرفته و مسئولان هم مدام اعلام می‌کنند که وام فرزندآوری را باید همه بانک‌ها بدهند، واقعا تکلیف ما چیست؟

سامای شهری

شهرداری کرج، زیاله‌گردها را اساماندهی کند

در کلانشهر کرج اغلب بالای مسطّل زیاله چند نفر در حال زبرور کردن زیاله‌ها جست‌وجو در آنها و در نتیجه پراکندن آنها روی زمین هستند، اینها تحت نظر چه کسانی هستند، کالاهای جمع‌آوری شده اینها را چه کسانی می‌خرند؟ چرا شهرداری به‌عنوان نهاد مرتبط وارد ساماندهی زیاله‌گردها نمی‌شود تا هم درآمدی کسب شود و هم جلوی این همه آلایندهی و درگیری و به هم ریختن چهره شهر گرفته شود.

محمودی از کرج

پله برقی عابر پیاده در فاز یک اندیشه همچنان خراب است پله برقی پل عابر پیاده در ورودی فازیک شهراندیشه شهیراز از چندماه قبل تعطیل شده و متأسفانه شهروندان مجبورند از پله کنار پله برقی پل عبور کنند، چرا شهرداری شهر اندیشه هیچ اقدامی جهت راه‌اندازی مجدد این پله برقی و رفع نقایص آن نمی‌کند؟ چه زمانی این پله برقی بازگشایی می‌شود؟

شهردن و فزایک شهراندیشه شهیر بار

پیامک ارسال پیام کوتاه خوانندگان ۲۳۹۱۶-۲۱۲۳۰۰

از تقای، سیاسی،کمالشهر، خواسته‌قدیمی اهالی این شهر است کمالشهر که دهی کوچک بود طی ۲دهه از جمعیت ششاید ۱۰هزار نفری به جمعیت ۲۰۰هزار نفر رسید، با گرانی و تورم و مهاجرت عده زیادی از کرج و تهران به این شهر و نیز ویلاسازی در بیلاقات اطراف این شهر از جمله کردان و ولیان و برغان و… هر روز بر جمعیت ناشوار این شهر به‌خصوص در روزهای تعطیل و آخر هفته هم افزوده می‌شود، امکانات زیرساختی این شهر برای همان جمعیت ۱۰هزار نفری هم کافی نبود و طی این مدت هم متناسب با جمعیت زیرساخت فراهم نشد در نتیجه این جمعیت کلان که عصرها می‌توان غلغله آن را در خیابان و پیاده‌روها دید از کمترین خدمات شهری و امکانات رفاهی و زیرساختی برخوردارند، همان زمان که رشد جمعیت شهر آغاز شد طرح ارتقای سیاسی این شهر به شهرستان یا‌عنوان شهرستانی شامل مهرشهر،محمدشهر و کمالشهر (شهرهای واقع در پایین‌اتوبان تهران - کرج) در مجلس مطرح شد که پیگیری نشد، جا دارد این طرح مجدداً و به سرعت مورد بررسی قرار گرفته و از تقای این شهر به شهرستان صورت گیرد، چه بسا شهرهایی که اصلا در حد شهر نبودند و روستاهایی که فقط به صورت اسمی شهر شدند اما کمالشهر از این قافله عقب مانده و مردم آن که اغلب از قشر زحمتکش هستند در مشقت و کمبودهای زیرساختی و خدماتی روزگار می‌گذرانند.

رضایی از کمالشهر کرج

مسئولان برای تهیه کاغذ نشو، چاره‌ای بیندیشند بدیهی است که تهیه کاغذ برای نشر کتاب اهمیت فراوانی دارد. این روزها تهیه کاغذ بسیار سخت و برای ناشران کمتر برخوردار در حد غیرممکن شده‌است، از مقامات مسئول تقاضامندیم برای تهیه کاغذ چاره‌ای بیندیشند.

محمد رحالی از شاهین شهر اصفهان

پیام
@
تگرام با مردم hamshahri@barmardom

تشریح به از دواج با مُسکن‌های مقطعی بی‌فایده است طبق فرمایشات رهبر معظم انقلاب و مطابق با آموزه‌های دین شریف اسلام، جوانان باید در زمان مناسب از دواج‌کرده و تشکیل خانواده بدهند. من به‌عنوان یک فرد تحصیل‌کرده و دارای شغل که تمایل زیادی هم به تشکیل خانواده دارم هر طور که حساب می‌کنم قادر به تأمین هزینه‌های آغاز یک زندگی معمولی هم نیستم تا چه رسد به پول ودیعه مسکن و سایر چیزها، از مسئولان انتظامی می‌روم تا با مهار کردن گرانی و تورم افسار گسیخته، منظر ازدواج جوانان را تسهیل کنند و دنبال مُسکن‌های مقطعی نباشند.

امامی از تهران

پخش برنامه‌های شبسکه فراتر در یاداد شهر اهواز قابل دریافت نیست

از مدتی قبل شبکه‌های نام‌فراز توسط معاونت توسعه و فناوری صداوسیما جمهوری اسلامی شروع به کار کرده که در تمامی مراکز استان قابل دریافت است. این شبکه تصاویر را با فرمت و کیفیت 4K پخش می‌کند اما در یادادشهر که یکی از محله‌های شهر اهواز است قابل دریافت نیست و این موضوع هم‌اکنون که جام جهانی فوتبال در حال پخش است اهالی این منطقه را از دیدن بازی‌های فوتبال با کیفیت بالا محروم کرده است. درخواست داریم تا هر چه زودتر این مشکل رفع شود.

نعمتی از اهواز

افتشحات اخیر ابعاد فرار دارن اما جنگ روانی و شناختی و تر کبیی ان برجسته بود،باطل‌السرحر این جنگ همه‌جانبه از جمله معجزه مظلومیت بود، شهیدایی که معصومانه و مظلومانه با بربریت و سبعبت تمام به شهادت رسیدند،از شهید آرمان علوی‌وردی که حاضر نشد کمترین فعالی نسبت به ارزش‌های نشان دهد، تا شهید سیدروح‌الله عجمیان که برای دفاع از مقام زنان عقیقه، خود را قربانی کرد، تا شهید حمید یونوزور و شهید حمزه علی‌نژاد و شهید دانیال رضازاده و شهید حسین زینال‌زده و… که هر یک وجوهی از اعجاز مظلومیت را در آستین داشتند. درجاط بلندمرتبه الهی، گوارای وجود این اعجازگران قرن باد.

حوادث

مرد جوان پس از ۳روز به قتل دوستش اعتراف کرد

شلیک برای سرقت ۸میلیارد تومان بیت‌کوین



نجام یک معامله کاری به سمت دماوند رفتیم و بعد، او از من جدا شد

و رفت تا به کارهای دیگری برسد. من و فرهاد مدت‌هاست که در کار خرید و فروش ارزهای دیجیتال هستیم و او هم احتمالاً بعد از اینکه از من جدا شده برای معامله کاری نزد شخص دیگری رفته است.

اقرار به جنایت
اگر چه مرد بازداشت شده اصرار داشت که بی‌گناه است و اطلاعاتی از سرنوشته دوستش ندارد اما به‌نظر می‌رسید حقیقت را کتمان

می‌کند. در این شرایط، باز پرس جنابیی دستور بازداشت او و انجام تحقیقات بیشتر از وی را صادر کرد. از سوی دیگر خانواده مرد گذشته نیز اصرار داشتند که محسن برخلاف ادعایش با پسر آنها دچار اختلافات مالی شده بود و آنهاشکی ندارند که او را ز ناپدید شدن فرهاد رامی‌داند. تحقیقات از محسن ادامه داشت تا اینکه دیروز وی سرانجام سکوتش را شکست و اسرار ناپدید شدن دوستش را فاش کرد. او گفت: من فرهاد را با شلیک گلوله به قتل رسانده‌ام. متهم ادامه داد: مدت‌ها بود که با فرهاد دچار اختلافات مالی شده بودم و می‌دانستم که او به تازگی معادل ۸میلیارد تومان بیت کوین خریداری کرده است. کار من و فرهاد، خرید و فروش ارزهای دیجیتال بود و روز حادثه تا وی قرار گذاشتن تا درباره اختلافات مان با او صحبت کنیم. به جز من یکی دیگری از دوستانم نیز حضور داشت و من از قبل یک اسلحه کلت تهیه کرده بودم تا چنانچه با فرهاد در گیر شدم از آن برای تهدید استفاده کنم اما فکرش را نمی‌کردم که دستانم به خون آلوده شود. متهم گفت: چهارم آذرماه، فرهاد سوار ماشین دنابلاس من شد و به همراه نفر سوم به سمت دماوند حرکت کردیم. به او گفته بودم قرار است معامله جدیدی را انجام بدهیم و او لپ‌تاپی که کیف پول مجازی‌اش در آن بود، همراهش بود. می‌دانستم معادل ۸میلیارد تومان ارز دیجیتال در کیف پول مجازی‌اش است و به همین دلیل روز حادثه وقتی به محلی خلوت رسیدیم، به سمت او شلیک کردم و بعد درحالی‌که رمز کیف پولش را داشتم، دست به سرقت ۸میلیاردی ارزهای دیجیتال او زدم.

سپس جسد خونین او را در صندوق عقب گذاشتم و به همراه دوستم راه افتادیم به مسیر ایوانکی. بی‌هدف رانندگی می‌کردم تا هوا تاریک شود و بعد از آن جسد فرهاد را با همدستی دوستم در بیابان دفن کنیم. وقتی هوا کاملاً تاریک شده بود، در بیابان‌های ایوانکی گودالی کنندیم و جسد را دفن کردیم. سپس روز بعد ماشین را رشتیم تا آثار خون در آن به چانماند تا اینکه در نهایت دستگیر شدم و هر چه خواستم از زیر بار اتهام و اعتراف فرام کتم موقت نشدم. پس از اقرار متهم، تیمی از مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران صبح دیروز (شنبه) به همراه متهم راهی ایوانکی شدند و با راهنمایی متهم، جسد را از زیر خاک بیرون کشیدند تا به پزشکی قانونی منتقل شود. از سوی دیگر متهم به قتل با اقرار قانونی در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است و جست‌وجو برای بازداشت همدست وی از سوی کار آگاهان ادامه دارد.



من فقط شعار دادم

فرد دیگری که در این جلسه محاکمه‌شده نیز از جمله افرادی است که روز حادثه در آنجا حضور داشت، او در دفاعیاتش گفت: بخشی از اتهامات وارده نسبت به خود را قبول ندارم، در محل حضور داشتم اما علیه شهید عجمیان اقدامی انجام ندادم. پدر من به تازگی فوت کرده است، وارد بهشت سسکینه(س) که شدم مأموران یگان ویژه را دیدم. نیم ساعتی بر سر مزار پدرم نشستم، زمانی که برگشتم دیدم عده‌ای در اتوبان جمع شده و دست می‌زنند و بر زمین پا می‌کوبند و «حدیث، حدیث» می‌گویند. بعد داخل خودروی خود رفتم، نیم‌ساعتی در ماشینم نشستم، به قصد خروج از بهشت سسکینه(س) به سمت اتوبان رفتم و دیدم که عده‌ای تجمع کردند و اتوبان بسته است. از ماشین پیاده شدم و خودم را به آن سمت اتوبان رساندم، با حضور در محل جو زده شده بودم و کمی شعار دادم. دیدم که شهید در حال دویدن است و یک نفر به وی زیر پا زد و همان لحظه به زمین خوردم. من ضربه‌ای به بدن شهید نزدم. دیدم یک نفر به بدن شهید که روی کاپوت خودروی سواری ساینوا بود، ضربات چاقو وارد کرد. او در ادامه گفت: اتوبان یک جوان در کیفش سنگ داشت که زینت شهید را باز کرد و سنگ‌ها را بر زمین ریخت و به افراد حاضر در صحنه گفت بیاید سنگ، که من می‌خواهم که من را عفو کنید.

می‌خواستم ببینم شهید زنده است یا نه
در ادامه رسیدگی به این پرونده متهم دیگری به دفاع از خود پرداخت و گفت: با برادر و پسرعموی بابت حضور در بهشت سسکینه(س) و فاتحه خوانی برای خاتم نجفی حضور پیدا کردیم. زمانی که به بهشت سسکینه(س) رفتم در ورودی آن بسته بود. یک خانم شعاری داد، یک کامیون رد شد و بوق زد و چند نفر شروع به‌دست زدن کردند. از محل فاصله گرفتم، دیدیم که افرادی به مأموران سنگ می‌زدند. من هم چند عدد سنگ پرتاب کردم. دیدم فردی روی زمین افتاده است. با پای خود ضربه‌ای به کف کفش او زدم که ببینم زنده است یا نه او ادامه داد: من اتوبان را نیتیم. زمانی که می‌خواستیم از محل دور شویم به برادر نامزدم زنگ زدم تا ما را از خود ببرد. حتی ماشین پدرم را که با آن به محل رفته بودیم همان جا گذاشتم. من هیچ فیلم و عکسی از آن مکان نگرفتم و هیچ استوری در این رابطه منتشر نکردم و بدون هیچ قصد و نیتی در محل حاضر شدم. از شناسنامه‌های پاک کرده بود و این موضوع کار را دشوار می‌کرد. در این شرایط بود که تحقیقات مأموران پلیس آگاهی برای یافتن مادر این مرد جوان آغاز شد. ابتدا مأموران پلیس با شناسایی بیمارستان محل تولد این جوان در جنوب تهران به آنجا رفتند و توانستند سرنخ‌هایی از هویت مادر او به‌دست آورند. در ادامه با استعلام مدارک هویتی این زن بی‌برند که او در قید حیات است و در تهران زندگی می‌کند. در این شرایط مأموران این زن را پیدا کرده و به پلیس آگاهی دعوت کردند. به این ترتیب با گذشت ۲۹سال از جدایی این مادر و پسر آنها یکدیگر را پیدا کردند.

سرنهنگ علی ولیپور گوردزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ در این باره گفت: این زن به مأموران گفت که ۲۹ سال قبل بزرگ از تولد فرزندش با توجه به اختلاف شدیدی که با همسرش داشته از او جدا شده و کودک را به او تحویل داده و زندگی جدیدی را آغاز کرده است. او پس از آغاز زندگی جدید ازدواج مجدد، چندین سال دنبال فرزند خود در تهران بوده اما با توجه به تغییر نشانی خانه همسر سابقش موفق به یافتن او نشده بود.

۲۸ساله و برادر هایش در این منطقه اختلاف داشت. اختلاف آنها بر سر قمار بود و مدتی قبل که مقتول به مقابل باتوق مرد ۴۸ساله رفته بود، توسط او و برادر هایش کتک خورده بود. آنها با چوب مقتول را کتک زده بودند و همین باعث شده بود که وی از آنها کینه به دل بگیرد. به همین دلیل شب حادثه از من و دوست دیگرمان خواست که برای گوشمالی مرد ۴۸ساله همراه وی برویم. ما هم قبول کردیم و درحالی‌که چوب در دست داشتیم، به آنجا رفتیم اما وقتی درگیری رخ داد، آن مرد با سلاح شکاری اقدام به شلیک کرد که سانجه‌های شلیک‌شده جان مقتول را گرفت و ما را هم زخمی کرد. با این اطلاعات دستور بازداشت عامل جنایت و برادرش که در این درگیری حضور داشتند، صادر شد. هر سه متهم پس از جنایت فرار کرده بودند و در این شرایط جست‌وجو برای شناسایی مخفیگاه آنها ادامه داشت تا اینکه عصر جمعه، محل اختفای هر سه متهم در یکی از محله‌های رشت شناسایی شد.

سرنهنگ حسین حسن پور، جانشین فرمانده انتظامی استان گیلان با بیان این خبر گفت: قاتل ۴۸ساله و ۲برادرش در یک عملیات ضربتی دستگیر شدند و در تحقیقات معلوم شد که مقتول به همراه همدستانش به‌علت اختلافات قبلی و قمار با چوب و چاقو با آنها درگیر شده بودند که در این میان یکی از آنها با سلاح شکاری اقدام به تیراندازی در محله‌های رشت انجام داد. در این درگیری سه نفر از اعضای تیم جنایی راهی محل حادثه شدند.

مردی که جانش را از دست داده بود، حدوداً ۴۰ساله و ۲نفر دیگری که همراه او بودند ۲۱ و ۲۸ساله بودند که مجروح شده و به بیمارستان منتقل شدند. مأموران برای کشف راز این جنایت به تحقیق از ۲مجروح حادثه پرداختند و یکی از آنها گفت: مقتول از قبل با مردی

همایش ملی

کوتاه از حادثه

تیراندازی مرگبار در تبریز

مردی که با همسرش دچار اختلاف شده بود با تیراندازی به‌سوی او جانش را گرفت و برادر و برادر زاده همسرش را نیز با شلیک گلوله مجروح کرد.

به گزارش همشهری، این حادثه عصر روز جمعه در یکی از مناطق تبریز اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که زن و شوهری از مدتی قبل با یکدیگر دچار اختلاف شده بودند که با بالا گرفتن این اختلافات، مرد جوان در اقدامی هولناک با استفاده از کلت کمری که از قبل تهیه کرده بود به‌سوی همسرش، برادر و برادرزاده او تیراندازی کرد و گریخت. به‌دنبال این حادثه همزمان با مأموران پلیس، امدادگران اورژانس نیز خود را به محل حادثه رساندند و مجروحان به مرکز درمانی منتقل شدند اما ساعتی بعد همسوارب به‌دلیل شدت جراحات وارده جانش را از دست داد و همسای ۲مجروح دیگر همچنان ادامه دارد. سرهنگ هاشم شعفی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی آذربایجان شرقی با اعلام جزئیات این پرونده گفت: با اقدام مأموران انتظامی فرد ضارب دستگیر و سلاح کمری مورد استفاده نیز کشف شد. به‌گفته و همسای متهم پس از تشکیل پرونده به دستگاه قضایی تحویل داده شد.

جان‌باختن جوان نقاش پس از باخت تیم ملی به آمریکا

جوان نقاش که هنگام تماشای مسابقه تیم ملی فوتبال با تیم ملی آمریکا دچار هیجان شدیدی شده بود بر اثر سکتة جانس را ز دست داد.

به گزارش همشهری، این حادثه سه‌شنبه شب گذشته، هنگام پخش زنده مسابقه تیم ملی فوتبال با تیم ملی آمریکا از تلویزیون در شهرک بلکوی یاسوج واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد اتفاق افتاد و در جریان آن ۱۸ساله که بر اثر هیجان دچار سکتة شده بود به بیمارستان امام سجّاد شهر یاسوج منتقل می‌شود اما جانش را از دست داد. علی محمد شعبانی، پدر این جوان به ایسنا گفت: پس از نیمه اول بازی تیم ملی ایران با آمریکا به من اطلاع دادند که برای فرزندم مشکلی پیش آمده، وقتی به بیمارستان رفتم او فوت شده بود و تلاش کردم درامد بیمارستان برای نجات فرزندم بی‌نتیجه مانم. روز چهارشنبه نیم آذرهم پیکرش به پزشکی قانونی انتقال یافت و کالبدشکافی شد و سپس جسد به سردخانه منتقل شد. او درباره علت فوت فرزندش گفت: منظر اعلام نظر پزشکی قانونی هستیم. فرزندم نقاش بود و استعداد خوبی در زمینه نقاشی داشت.

تصادف مرگبار مینی‌بوس با وانت

تصادف یک دستگانه مینی‌بوس با یک وانت مسزدا به جان‌باختن ۲نفر و مصدومیت ۷نفر منجر شد.

به گزارش همشهری، این حادثه ساعت ۷صبح دیروز (شنبه) در فولادشهر اتفاق افتاد. سرهنگ اصغر زارع، رئیس پلیس راه فرماندهی انتظامی استان اصفهان درباره جزئیات این حادثه گفت: یک دستگانه مینی‌بوس که سرویس یکی از شرکت‌ها بود با یک وانت مسزدا در محور فولادشهر برخورد کرد. در این حادثه رانندگان هر ۲خودرو بر اثر شدت حادثه جان باختند و ۷نفر از سرنشینان مینی‌بوس نیز مجروح و روانه بیمارستان شدند. به‌گفته سرهنگ زارع علت وقوع این حادثه در دست بررسی است.



پسری بعد از ۲۹سال به مادرش رسید

پسری که ۲۹سال قبل به‌دنبال جدایی والدینش، مادرش را گم کرده بود با تلاش پلیس توانست او را پس از سال‌ها پیدا کند.

به‌گزارش همشهری، رسیدگی به این پرونده از اوایل آذرماه امسال در اداره چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ آغاز شد. پسری ۲۹ساله مدعی بود که از بدو تولد تاکنون از مادرش جدا شده و پس از چندین سال جست‌وجو هیچ ردی از او پیدا نکرده است. او از زمان تولد با پدرش زندگی می‌کرد و می‌گفت که پدرش نیز هیچ ارتباطی با خانواده مادرش نداشته و نتوانسته راز شناسنامه‌های پاک کرده بود و این موضوع کار را دشوار می‌کرد. در این شرایط بود که تحقیقات مأموران پلیس آگاهی برای یافتن مادر این مرد جوان آغاز شد. ابتدا مأموران پلیس با شناسایی بیمارستان محل تولد این جوان در جنوب تهران به آنجا رفتند و توانستند سرنخ‌هایی از هویت مادر او به‌دست آورند. در ادامه با استعلام مدارک هویتی این زن بی‌برند که او در قید حیات است و در تهران زندگی می‌کند. در این شرایط مأموران این زن را پیدا کرده و به پلیس آگاهی دعوت کردند. به این ترتیب با گذشت ۲۹سال از جدایی این مادر و پسر آنها یکدیگر را پیدا کردند.

سرنهنگ علی ولیپور گوردزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ در این باره گفت: این زن به مأموران گفت که ۲۹ سال قبل بزرگ از تولد فرزندش با توجه به اختلاف شدیدی که با همسرش داشته از او جدا شده و کودک را به او تحویل داده و زندگی جدیدی را آغاز کرده است. او پس از آغاز زندگی جدید ازدواج مجدد، چندین سال دنبال فرزند خود در تهران بوده اما با توجه به تغییر نشانی خانه همسر سابقش موفق به یافتن او نشده بود.